

بازتاب ضرب المثل های قرآنی در ارزشهای

تمدن فارسی

پژوهشگر حسام عبد الحسن عبد

رتبه : مربی مکان شغل : دانشگاه بغداد

دانشکده زبانهای خارجی

الملخص:

يعد المثل الفارسي احد القيم الانسانية العليا التي تمثل ثقافة الايرانيين وحضارتهم. لم يقتصر الفرس باخذهم اجمل الورود من رياض القرآن الكريم، على الشعر، بل استلهموا منه بعض امثالهم السائرة عندهم، من هنا فان الامثال الفارسية المستلهمة من القرآن الكريم تمتلك الكثير من القيم الانسانية العليا. اتبع الباحث في عرض بحثه المنهج التحليلي الوصفي حيث قسمه على ثلاثة مباحث وكما مبين ادناه:

المبحث الاول - لفظ (مثل) من المنظور اللغوي .

المبحث الثاني - القيم الانسانية العليا في الامثال الفارسية المستلهمة من القرآن الكريم إذ يحتوي على:

١- القيمة الانسانية موضع الافادة من المثل الفارسي .

٢- ذكر المثل الفارسي .

٣- ذكر الآية او النص القرآني المستلهم منها المثل.

٤- ذكر الترجمة الفارسية للآية مع ذكر مترجمها.

مثل:

ارزش انسانی : یگانگی نه پراکندگی

ضرب المثل : یک دست صدا ندارد .

آیه مبارک : {واعتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا} (سورة آل عمران، آیه ١٠٣)

ترجمه آیه مبارک : و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]،

چنگ زنید، و پراکنده نشوید (ترجمه مکارم شیرازی)

المبحث الثالث - المثل الفارسي الناشئ من القصص القرآنية .

ومن النتائج التي توصل اليها الباحث ان الامثال الفارسية المستلهمة من القرآن الكريم لها قيمة انسانية عالية ، الامر الذي ادى الى تداولها بكثرة من قبل الايرانيين.

الكلمات المفتاحية : المثل الفارسي، القرآن الكريم، القيمة الانسانية.

بازتاب ضرب المثل‌های قرآنی در ارزشهای

تمدن فارسی

پیشگفتار

ضرب المثلها یکی از مهمترین ارزشهای انسانی عالی برای هر کشور بشمار میرود؛ زیرا که فرهنگی و تمدن آن کشور در آن ضرب المثلها منعکس می شود. این امر در فرهنگ و ادبیات و اخلاق ایرانیان خیلی نمایان و واضح می باشد. فرس و قتیکه وارد در دین اسلام شدند، افکار و اندیشه های آنان به قالب ضرب المثلها نوشتند، واقعا اکثریت این ضرب المثلها از مضامین و محتوای قرآن کریم الهام گرفته شد. فرس نه تنها از قرآن مجید در اشعار و متون نثری خود (از قبیل تضمین و اقتباس و تلمیح و غیره) استفاده کردند بلکه از آن برخی از ضرب المثلهای فارسی الهام گرفته اند. لذا ضرب المثلهای فارسی که از قرآن کریم الهام شدند ارزشهای انسانی بسیار داشت. پژوهشگر روش وصفی و تحلیلی را در ارائه کردن بررسی خود پی کند و آنها را بر سه مبحث تقسیم کرد:

مبحث اول - لفظ (مثل) از لحاظ لغوی شامل دو مطلب زیر است:

- ۱- لفظ مثل در لغتنامه دهخدا.
 - ۲- ضرب المثل بر طبق مفهوم آقای برقی.
- مبحث دوم - ارزشهای انسانی عالی در ضرب المثلهای فارسی الهام شده از قرآن کریم که حاوی میشود:**

- ۱- ارزش انسانی مورد استفاده از ضرب المثل است.
 - ۲- ذکر کردن ضرب المثل فارسی.
 - ۳- ذکر کردن آیه یا متن قرآنی که ضرب المثل از آن الهام شده است.
 - ۴- ذکر کردن ترجمه فارسی آیه مبارک با اشاره کردن به مترجم آن است.
- مبحث سوم- ضرب المثل فارسی ناشی از داستانهای قرآنی که دوتا داستان شامل میگردد:**

- ۱- ایراد بنی اسرائیل گرفتن
 - ۲- مثل سد اسکندر
- پژوهشگر در تحقیقش بر چند منبع عمده کرد، از آنها
- ۱- فرهنگ معین
 - ۲- امثال و حکم دهخدا
 - ۳- لغتنامه دهخدا.
 - ۴- ترجمه قرآن مجید به فارسی از قبل عدۀ مترجم فرزاد.
 - ۵- مثلها و حکمتها در آثار شاعران
 - ۶- داستانهای امثال
 - ۷- فرهنگ لغت عمید

پژوهشگر آرزوی میکند که این تحقیق جالب توجه دوستداران ضرب المثلهای فارسی که از قرآن مجید الهام شد و مورد استفاده برای پژوهشگران قرار می گیرد. و آخر دعوانا: (أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) یونس ۱۰

مبحث اول

لفظ (مثل) از لحاظ لغوی (۱)

۱- لفظ (مثل) در لغتنامه دهخدا (۲)

مثل [مَ ثَ] (ع ا) مانند. همتا. ج، امثال. (منتهی الارب) (آندراج). شبه. نظیر. (از اقرب الموارد). همتا. (ناظم الاطباء): چون دل از دست بدادی مثل کره توسن

نتوان بازگرفتن به همه خـلق عنانش.

سعدی.

- مثل اعلی؛ نمونه اعلی. نمونه بارز. صنم عقلی. و رجوع به صنم عقلی شود. || صفت و منه قوله تعالى: (مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ) الرعد/۳۵. || حدیث. (از منتهی الارب) (آندراج) (اقرب الموارد) (ناظم الاطباء). || دلیل. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء). حجت و گویند اقام له مثلاً. (از اقرب الموارد). || داستان. (مذهب الاسماء) (منتهی الارب) (آندراج). داستان و قصه. (ناظم الاطباء). افسانه. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا): رای هند فرمود برهمن را که بیان کن از جهت من مثل دو تن که به یکدیگر دوستی دارند. (کلیله و دمنه).

لفظ (مثل) از لحاظ اصطلاحی

وصف حال و حکایت و افسانه و داستان و قصه مشهور شده که برای ایضاح مطلب آورند. (ناظم الاطباء) (از غیاث). علمای بلاغت گویند که مثل در محاورات حکم برهان دارد در عقلیات. (آندراج). سخن سایر فاشی الاستعمال که در مضرب و مورد خود ممثل شده باشد و مراد از مورد آن حالت اصلی است که سخن بدان مناسبت وارد شده است و مراد از مضرب حالت شبیه بدان است که از آن سخن اراده می گردد. (از کشاف اصطلاحات الفنون). علاقه شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل نامند و چون تشبیه فاشی الاستعمال و شایع باشد آن را مثل خوانند. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا).

مثل در اصطلاح ادبی

در اصطلاح ادبا مثل نوع خاصی است که آن را به فارسی داستان و گاهی به تخفیف داستان می گویند و داستان در فارسی میان دو معنی مثل و افسانه مشترک است.

مثل نزد ادبای عرب و فرس

در تعریف مثل یا داستان ائمه ادب عربی و فارسی به رسم و عادت که در تعریف مصطلحات علمی و ادبی دارند شناساندن به حد یا رسم را در نظر گرفته و بارعایت این منظور عبارات مختلف را آورده اند. ابوالعباس محمد بن یزید معروف به میرد (متوفی در سال ۳۸۵ هـ. ق.) مثل را از مثول به معنی مشابَهت و همانندی گرفته و چنین تعریف کرده است که مثل سخنی رایج و شایع است که بوسیله آن حالی دوم را به حالی اول یعنی حالتی را که اخیراً حادث شده است به حالتی که پیش از آن حادث شده و شبیه به آن است تشبیه کنند چنانکه درباره صنعتگر یا صاحب کالایی که از حاصل صنعت یا کالای خود در نهایت احتیاجی که به آن دارد استفاده نمی کند می گویند کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد و به گفتن این سخن حالت آن شخص را به حالت کوزه گری که پیش از او وجود داشته و از کوزه شکسته آب میخورده است تشبیه می کنند. دیگری مثل را از مثول به معنی راست ایستاده و بر پای بودن گرفته و گفته است: مثل حکمی است که درستی و راستیش نزد همه عقول مسلم و ممثل یعنی راست ایستاده باشد. ابویوسف یعقوب بن سکیت معروف به ابن السکیت (متوفی در سال ۲۴۴ هـ. ق.) مثل را مانند میرد از مثول به معنی مشابَهت گرفته و در تعریفش گفته است: مثل جمله ای است که با مثل خود در لفظ مختلف و در معنی متحد باشد مانند مثل کوزه گر که اگر درباره خیاطی که جامه اش پاره است گفته شود معنی و مفادش با معنی و مفاد این جمله که فلان با اینکه خیاط است

جامه پاره می پوشد یکی است ، لیکن لفظ آن دو جمله مختلف است . ابواسحاق ابراهیم بن سيار، معروف به نظام گوید در مثل چهار چیز مجتمع است که در سخنان دیگر باهم جمع نمی شود و آن عبارت است از کوتاهی و کمی لفظ و روشنی معنی و خوبی تشبیه و لطف کنایه و این آخرین پایه بلاغت سخن است که بالاتر از آن ممکن و متصور نیست . ابو عبید قاسم بن سلام (متوفی در سال ۲۲۳ هـ . ق .) درباره امثال عرب گوید: مثل رشته و شعبه ای از فلسفه و حکمت عرب در زمان جاهلیت و عصر اسلام است که در اثنای سخن می آورند و بوسیله آن مقصود خود را به کنایه که - ابلغ از تصریح است - ادا می کنند و در امثال سه وصف مطلوب که اختصار لفظ و صحت معنی و حسن تشبیه باشد مجتمع است .

مثل نزد دانشمندان اروپا

دانشمندان اروپا اغلب مثل را بجای تحدید، توصیف کرده و برخی هم به تحدید و تعریف آن پرداخته اند و سخنان چند تن از آنها را نقل می کنیم : «سینیسیوس اریستاتل» فیلسوف یونانی (۳۷۰-۴۱۳ م .) گوید مثل اثری از بنای درهم شکسته و فرو ریخته فلسفه قدیم است که از میان ویرانه های بی حد و شمار آن بنا نمودار و بسبب اختصار لفظ و روشنی معنی و آسانی تلفظ باقی و پایدار مانده و از خاطر ها نرفته است . سروانتس شاعر معروف اسپانیولی گوید: مثل جمله کوتاهی است که از تجربه دراز تولد یافته و می یابد . لرد روسل دانشمند انگلیسی (۱۷۹۲-۱۸۷۸ م .) گوید: مثل زاده فکر یک جمع و نادره گویی یک فرد است . ملیح ترین توصیفها توصیفی است که آبه دو سن پیر فرانسوی (۱۶۵۸-۱۷۴۳ م .) کرده و گفته است : مثل آوازی است که از تجربه منعکس شده و به عبارت کوتاه تر مثل صدای (رد الصوت) تجربه است . از این اوصاف یا تعریفات معلوم میشود که ادبا و دانشمندان مغرب زمین هم اختصار لفظ و وضوح معنی و لطف ترکیب را از شروط مثل می دانند زیرا تا این اوصاف در عبارتی جمع نشود آن عبارت مورد قبول عامه واقع نمی شود و استعمالش در محاورات همگان شایع و رایج نمی گردد.

خلاصه تعریف مثل از لحاظ اصطلاحی

از مجموع تعریفها و توصیفهایی که ذکر شد معنی اصطلاحی مثل و یا تعریف جامع و مانع آن را می توان بدین عبارت استنباط کرد: *مثل جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب شهرت عام یافته باشد و همگان آن را بدون تغییر و یا با اندک تغییر در محاوره بکار برند* . این تعریف شامل امثال حکمی و تمثیلی هر دو میشود و حکایاتی را که در مقام تمثیل و تشبیه وقایع می آورند از قبیل حکایات کللیه و دمنه و مرزبان نامه از مفهوم و مفاد مثل خارج می سازد، زیرا این نوع تمثیل گذشته از اینکه یک جمله نتواند بود مزیت اختصار را هم فاقد است ، و بعضی که مثل را عبارت از حکایت تمثیلی دانسته اند معنی لغوی و تعریف ادبی را مخلوط کرده و به این اشتباه خود را به حیرت انداخته و بالاخره ناچار شده اند که مثل را به مشهور و نامشهور تقسیم کنند . به این تعریف جمله هایی هم که دارای مزایا و محسنات اختصار لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب ، لیکن نامشهور است از مثل خارج می شود چه شهرت بین عامه از شروط اصلی مثل است و کسانی که مثل را به مشهور و نامشهور تقسیم کرده اند بجا رفته اند و اما قید آخر تعریف که همگان آن را بدون تغییر در محاوره بکار برند ، تفسیر و توضیح شهرت عام یافتن است زیرا جمله را در صورتی مشهور عام توان خواند که همگان آن را به یک صورت استعمال کنند و در الفاظ و ترکیب آن تغییری ندهند و اگر بدهند به نوعی باشد که بصورت اصلی و اصل معنی جمله خللی وارد نیلورد و گرنه تغییر عبارت مثل ، چنانکه در عربی معمول است ، به هیچ وجه جایز نیست . (از مقاله احمد بهمنیار، مجله یغما سال دوم شماره ۲ و ۳) :

زان در مثل گذشت که شطرنجیان زنند

شاهان بی هده چو کلیدان بی کده .

عسجدی (لغت فرس ص ۴۳۴).

ترکیب سازی لفظ مثل

- مثل سائر ؛ مثالی که رایج و جاری باشد. و همه کس گویند. ضرب المثل . (ناظم الاطباء).

- مثل عین ممثل نیست ؛ نظیر بلاتشبییه . (امثال و حکم ج ۳ ص ۱۴۶۲).

- مثل گفتن ؛ بیان کردن حکایات خوشایند و قصه خواندن و چیزی را بطور تمثیل بیان کردن . (ناظم الاطباء).

- ایراد مثل ؛ مثل آوردن . مثل زدن . مثل ذکرکردن : مقصود از ایراد این مثل آن است . (انوار سهیلی).

- به مثل ؛ مثلاً . فی المثل . (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) :

گر من به مثل سنگم با تو غرما سنگم

ور زانکه تو چون آبی با خسته دلم ناری .

ابوشکور.

- در مثل ؛ مثلاً . فی المثل . به مثل . (یادداشت به خط مرحوم دهخدا).

|| آیت و منه فی القرآن : و جعلناه مثلاً لابی اسرائیل ؛ یعنی آیت و نشانه ای که بر ثبوت وی دلالت کند . (از اقرب الموارد). || عبرت و منه فی القرآن : فجعلناهم سلفاً و مثلاً للآخرین . (اقرب الموارد). || (ق) فی المثل . مثلاً . (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) :

سخن دانی که بشکافد مثل موی

سخن گویی که بچکاند مثل زر

۲ - ضرب المثل بر طبق مفهوم آقای برقی^(۳)

یک جمله کوتاه بنظم یا به نثر گاهی در دارنده پندود ستور اخلاقی و اجتماعی بزرگی است که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی شنونده را در افکار عمیق فرو میبرد و آن جمله را گوش با عماق قلب خود میفرستند و انفعالات و هنجانی در نفس او بوجود میآورد .

این نوع کلام از لطایف علم بدیع شمرده میشود و آن چنان است که گوینده در کلام و یا شاعر در بیت خود سخنی گوید که طبایع آن را قبول کنند و در زبانها افتد و بدان تمثل نمایند : بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند (سعدی)

علمای اخلاق در بیان خود از این جملات بسیار دارند و برای تربیت جامعه خود بکار میبرند این گونه کلام «ضرب المثل» نیز مانند مثل از

مجدورستی عهد از جهان ست نهاد که این عجز ه عروس هزار داماداست

(حافظ)

لسان قومی بالسنه اقوام دیگر در آمده و جنبه جهانی بخود گرفته است .

در قرآن کریم در ادبیات و علوم اخلاقی ملتها شده است .

مانند این آیه از قرآن کریم که میفرماید : { وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّءُ إِلَّا بِأَهْلِهِ } (سوره فاطر، آیه ۴۳)

فردوسی گوید :

کسی کو بره بر کند ژرف چاه سزد گر کند خویشتن را تباه

و در حدیث نبوی آمده : من حفر برأ لأخیه وقع فیه .

چه مکن که خود افتی بدمکن که بد افتی

و نیز : المرء مخبوء تحت لسانه که از فرمایشات رسول اسلام است .

مبحث دوم

ارزش های انسانی عالی در ضرب المثل های فارسی الهام شده از قرآن کریم
پژوهشگر این مبحث را به چند گروه تقسیم کرد که هر گروه چنانکه بشرح زیر ارائه کرد:

اولا: ارزش انسانی مورد استفاده از ضرب المثل است.

دوم: ذکر کردن ضرب المثل فارسی.

سوم: ذکر کردن آیه یا متن قرآنی که ضرب المثل از آن باز تاب شده است.

چهارم: ذکر کردن ترجمه فارسی آیه مبارک با اشاره کردن به مترجم آن است.

ارزش انسانی: رفتار و اخلاق است

ضرب المثل: هر که بد کند بد بیند^(۴).

آیه مبارک: { وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّءُ إِلَّا بِأَهْلِهِ } (سوره فاطر، آیه ۴۳)

ترجمه آیه مبارک: و نیرنگ زشت جز دامن صاحبش را نگیرد (ترجمه بهرام پور)

ارزش انسانی: **نومیدی از رحمت خدا نیست**

ضرب المثل: خدا چون ببندد ز حکمت دری

ز رحمت گشاید در دیگری^(۵) (سعدی)

آیه مبارک: { مَا تَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا } (سوره بقره، آیه ۱۰۶)

ترجمه آیه مبارک: هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن،

یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟! (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی: گردانیدن امور.

ضرب المثل: هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد^(۶)

آیه مبارک: { لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ } (سوره انعام، آیه ۶۷)

ترجمه آیه مبارک: برای هر خبری وقت معینی است (ترجمه الهی قمشه ای)

که حساب پاکست از محاسبه چه باک است^(۷)

آیه مبارک: { مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ } «(سوره توبه، آیه ۹۱)

ترجمه آیه مبارک: بر نیکوکاران ایرادی نیست (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی: نه سخن گفتن با ابلهان و احمقان و جاهلان

ضرب المثل: در زیر است سه ضرب المثل^(۸) به یک مضمون است

۱- جواب ابلهان خاموشی است

۲- جواب احمقان خاموشی است

۳- جواب جاهلان باشد خاموشی است

آیه مبارک: { وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا } (فرقان، آیه ۶۳)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام

می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند) (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی: کار کردن بر طبق ویژگی های انسانی برای هر کسی است.

از کوزه همان برون تراود* که در او ست^(۹).

{ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ } (سوره اسراء، آیه ۸۴)

گو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند (مکارم شیرازی)

ارزش انسانی: ترقب***

ضرب المثل: پایین شب سیه سفید است^(۱۰)

آیه مبارک: { أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ } (سوره هود، آیه ۸۱)

ترجمه آیه مبارک: آیا صبح نزدیک نیست؟ (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی: امید بخدا خیر است

ضرب المثل: دردا که طبیب صبر* می فرماید

وین نفس حریص را شکر می باید^(۱۱)

سعدی

آیه مبارک: { وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ } (سوره بقره، آیه ۲۱۶)

ترجمه آیه مبارک: شاید چیزی را ناخوش بدانید و در آن خیر شما باشد (ترجمه آیتی)

ارزش انسانی: گشایشی پس از سختی

ضرب المثل: از پس هرگریه آخر خنده ای است^(۱۲).

ومانندی این ضرب المثل هم وجود دارد:

ضرب المثل: از پی هر شبی بود روزی

ضرب المثل: از پی هر غمی است خرمنی

آیه مبارک: { فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا } (سوره انشراح، آیه ۵)

ترجمه آیه مبارک: همانا با سختی است گشایشی (ترجمه معزی)

ارزش انسانی: روزی های خلق

ضرب المثل: هر آن کس که دندان دهد، نان دهد^(۱۳)

آیه مبارک: { اللَّهُ يَرْزُقُهَا إِيَّاكُمْ } (سوره عنکبوت، آیه ۶۰)

ترجمه آیه مبارک: خداست که آنها و شما را روزی می دهد (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی: دادن و انفاق کردن

ضرب المثل: اندازه نگهدار که اندازه نکوست^(۱۴).

آیه مبارک: { وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ } (سوره اسراء، آیه ۲۹)

ترجمه آیه مبارک: وهرگز دستت را برگردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما)

و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی: راستی در نقل گفتن

ضرب المثل: از ما گفتن بود^(۱۵).

آیه مبارک: { وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ } (سوره مائده، آیه ۹۹)

ترجمه آیه مبارک: پیامبر وظیفه ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد. (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی: پرهیز کردن از آزرده شدن

ضرب المثل: کلوخ انداز* را پاداش سنگ است^(۱۶). (سعدی)

آیه مبارک: { وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا } (سوره شوری، آیه ۴۰)

ترجمه آیه مبارک: کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : برابر کارها

ضرب المثل : از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو^(۱۷)
(مولوی)

آیه مبارک : {فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ} (الزلزلة ۷)

ترجمه آیه مبارک : پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید . و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی : تلاش کردن

ضرب المثل :

نا برده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد^(۱۸)
(سعدی)

آیه مبارک : {وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى} (سوره نجم، آیه ۳۹)

ترجمه آیه مبارک : و اینکه برای انسان هیچ چیز نیست مگر آنچه کوشیده است (ترجمه خرمشاهی)

ارزش انسانی : نشانه ای گناهکاران

ضرب المثل : رنگ رخساره خبر می دهد از سرّ ضمیر^(۱۹) (سعدی)

آیه مبارک : {يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ} (سوره الرحمن، آیه ۴۱)

ترجمه آیه مبارک : تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی : پرهیز کردن از فروشیدن دین بدنیا

دین بدنیا فروشان خرنند یوسف را فروشد تا چه خرنند^(۲۰) (سعدی)

{أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ} (سوره بقره، آیه ۱۶)

آناند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند، پس تجارتشان سودی نکرد و از هدایت یافتگان نبودند

ارزش انسانی : یگانگی نه پراکندگی

ضرب المثل : یک دست صدا ندارد^(۲۱).

آیه مبارک : {وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا} (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

ترجمه آیه مبارک : و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : پشتیبانی

ضرب المثل : برادر پشت برادر است^(۲۲).

آیه مبارک : {وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي، هَارُونُ أَخِي أُشَدُّ بِهِ أُزْرِي} (سوره طه، آیه ۲۹)

ترجمه آیه مبارک : و برای من دستیاری از کسانم قرار ده (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی : نسل پدران شاید خوبی نیست

ضرب المثل : پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد^(۲۳) (سعدی)

آیه مبارک : {قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ} (سوره هود، آیه ۴۶)

ترجمه آیه مبارک : فرمود: «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است (ترجمه فولاوند)

ارزش انسانی : یکتایی فرماندگی

ضرب المثل : دو پادشاه در اقلیمی نگجند^(۲۴). (سعدی)

آیه مبارک : {لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا} (سوره انبیاء، آیه ۲۲)

ترجمه آیه مبارک : اگر در آنها [= زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد. (ترجمه فلاوند)

ارزش انسانی : پرهیز از سخن نا جایی

ضرب المثل : شتر دیدی، ندیدی^(۲۵).

آیه مبارک : {وَإِذَا مَرَّوَا بِاللُّغُو مَرَّوَا كِرَامًا} (سوره فرقان، آیه ۷۲)

ترجمه آیه مبارک : و چون به بیهوده ای بگذرند، کریم وار در می گذرند.

ارزش انسانی : دوری از فتنه ها

ضرب المثل : آتش چو بر افروخت بسوزد تر و خشک^(۲۶).

آیه مبارک : {وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} (سوره انفال، آیه ۳۵)

ترجمه آیه مبارک : و بپرهیزد از فتنه ای که تنها به کسانی از شما که ستم کردند، نمی رسد و بدانید که خداوند سخت عقوبت می کند.

ارزش انسانی : سرکشی نیست

ضرب المثل : گر بدولت برسی مست نگردي مردی^(۲۷)

آیه مبارک : {إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ} (سوره علق، آیه ۶۷)

ترجمه آیه مبارک : انسان چون خود را بی نیاز بیند، سرکشی کند.

ارزش انسانی : (پرهیز از) ناسپاس

ضرب المثل : نمک خوردن و نمکدان شکستن^(۲۸).

آیه مبارک : {كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا} (سوره اسراء، آیه ۶ و ۷)

ترجمه آیه مبارک : وهست آدمی ناسپاس (ترجمه دهلوی)

ارزش انسانی : راست گفتن

ضرب المثل: راستی کن که راستان رستند در جهان راستان قوی دستند^(۲۹) (اوحدی)

آیه مبارک : {وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ} (سوره زمر، آیه ۳۳)

ترجمه آیه مبارک : و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود؛ آنانند که خود پرهیزگارانند (ترجمه فولاوند)

ارزش انسانی : توکل

ضرب المثل : با توکل زانوی اشتر پند^(۳۰).

آیه مبارک : {فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ} (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

ترجمه آیه مبارک : و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل کنندگان را دوست دارد (ترجمه آیتی)

ارزش انسانی : مرگ موعظت

ضرب المثل : از مرگ خود چاره نیست^(۳۱)

آیه مبارک : {كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ} (سوره آل عمران، آیه ۱۸۳)

ترجمه آیه مبارک : هر کسی مرگ را می‌چشد (ترجمه مکارم شیرازی)
ارزش انسانی : انسان و کارش

ضرب المثل : از بد و نیک کس کسی را چه^(۳۲) ؟

آیه مبارک : { لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ الْبَقْرَةَ ۴۸

ترجمه آیه مبارک : هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند. (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی : محبت

ضرب المثل : از محبت نار نوری میشود / وز محبت دیو حوری میشود^(۳۳)
(مولوی)

آیه مبارک : {ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ} (مومنون، آیه ۹۶)

ترجمه آیه مبارک : بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)
(ترجمه مکارم شیرازی)

آیه مبارک دیگر : {فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى} (طه، آیه ۴۴)

اما به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد! (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : شگفتن

ضرب المثل : انگشت بر دهان ماندن^(۳۴)

آیه مبارک : {فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ} (ابراهیم، آیه ۹)

ترجمه آیه مبارک : (از روی تعجب و استهزاء) دست بر دهان گرفتند. (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : پرهیز کردن از دشمنان

انگشت به دندان گرفتن^(۳۵)

آیه مبارک : {عَضُّوا عَلَیْكُمْ الْأَعْنَامُ مِنَ الْغَيْظِ} (آل عمران: ۱۱۹)

ترجمه آیه مبارک : ز شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : همواره حق بالا و باطل پایین

ضرب المثل : دیو چو بیرون رود، فرشته درآید^(۳۶)

آیه مبارک : {جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا}. (اسراء: ۸۱)

ترجمه آیه مبارک : حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابود شدنی است. ز شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : دوری از نیرنگ

ضرب المثل : چاه مکن بهر کسی، اول خودت دویم کسی^(۳۷)

آیه مبارک : {وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ} (فاطر: ۴۳)

ترجمه آیه مبارک : و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد (ترجمه فولادوند)

ارزش انسانی : اتحاد اندیشه های دل

ضرب المثل : دل به دل راه دارد^(۳۸)

آیه مبارک : { «تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ» } (بقره: ۱۱۸)

ترجمه آیه مبارک : دل ها و افکارشان به هم می ماند

ارزش انسانی : هیچ حال بر یک گونه نیست

ضرب المثل : یک سیب را وقتی به بالا می اندازیم، صد تا چرخ می خورد تا پایین بیاید^(۳۹)

آیه مبارک : { «وَلَيْكَ الْآيَاتُ نَذَاوُلَهَا بَيْنَ النَّاسِ» } . (آل عمران: ۱۴۰)

ترجمه آیه مبارک : ما این روزهای (شکست و پیروزی) را میان مردم به نوبت می گردانیم.

ارزش انسانی : آشوبه ادیشه ها

ضرب المثل : یک بام و دو هوا^(۴۰)

آیه مبارک : { «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ» } (نساء: ۱۵۰)

ترجمه آیه مبارک : ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می کنیم

ارزش انسانی : عاقبت کار

ضرب المثل : هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت^(۴۱) (حافظ شیرازی)

آیه مبارک : { «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» } المدثر ۳۸

ترجمه آیه مبارک : (آری) هر کس در گرو اعمال خویش است (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : محبت

ضرب المثل : محبت باید دو سر دارد^(۴۲)

آیه مبارک : { «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» } (بقره: ۱۵۲)

ترجمه آیه مبارک : پس مرا یاد کنید، [تا] شما را یاد کنم (ترجمه فولوند)

ارزش انسانی : ارتباط با خدا

ضرب المثل: با خدا باش و پادشاهی کن بی خدا باش و هرچه خواهی کن^(۴۳)

آیه مبارک : { «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» } محمد ۷ (سوره محمد ، آیه ۷)

ترجمه آیه مبارک : ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و پایداری خواهد بخشید. (ترجمه آیتی)

ارزش انسانی : ادامه کردن ستم نیست

ضرب المثل: چراغ ستمکار تا با مداد نسوزد^(۴۴).

آیه مبارک : { «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ» } (یونس ۱۳)

ترجمه آیه مبارک : یقیناً اقوام پیش از شما را هنگامی که ستم ورزیدند، هلاک کردیم (ترجمه انصاریان)

ارزش انسانی : سخن گفتن با نیکی

ضرب المثل : با مردم سهل گوی دشواری مگوی

با آنکه در صلح زنی جنگ مجوی^(۴۵) (سعدی)

آیه مبارک : { «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» } (سوره بقره، آیه ۸۳)

ترجمه آیه مبارک : و برای مردمان با (زبان) خوشی سخن بگویند (ترجمه صادقی تهرانی)

ارزش انسانی : تفکر در نهایت امور (سوره بقره ، آیه ۸۳)

ضرب المثل : آخر گذر پوست به دباغانست^(۴۶)

این ضرب المثل از آیات زیر الهام شده

آیه مبارک : {وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ} (بقره، آیه ۲۰۳)

ترجمه آیه مبارک و از خدا بپرهیزید و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! (ترجمه مکارم شیرازی)

ارزش انسانی : هماهنگی و الفت کار با کننده اش

ضرب المثل : کبوتر با کبوتر باز با باز

کند همجنس با همجنس پرواز^(۴۷) (نظامی)

آیه مبارک : {الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ} (نور ، آیه ۲۶)

ترجمه آیه مبارک :

پژوهشگر چند ترجمه نسبت این آیه خواند ولی اعم اغلب از آن اشتباه دارند از این جهت بحث دوست دارم که آنها را ارائه میدهد سپس گزینه درست تر آن است چنانکه در زیر روشن کرد :

۱- زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلیدند، و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند. (ترجمه بهرام پور)

۲- زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاک و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک. (ترجمه آیتی)

۳- زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان زشتکار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفتند و (بالعکس) زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه اند (ترجمه الهی قمشه ای)

۴- زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. (ترجمه فولوند)

۵- زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! (ترجمه مکارم شیرازی)

پژوهشگر ترجمه سه تا بتوسط الهی قمشه ای گزینه کرد زیرا که برخی از همسران انبیا (مانند همسر لوط) ناپاک بودند و همچنین برخی از همسران کافران (مانند همسر فرعون) پاک بودند لذا امر پاک و پلید مربوط به کارهای ایشان میشود .

مبحث سوم

ضرب المثل فارسی ناشی از داستانهای قرآنی

۱- ایراد بنی اسرائیل گرفتن^(۴۸)

این مثل در باره کسانی است که خورده گیریها و بهانه جوئیها بی جا میکنند مانند بنی

اسرائیل که بحضرت موسی علیه السلام بهانه می گرفتند و قرآن کریم در چندین در مورد

متذکر شده است .

و یاد آرید وقتی که بموسی اعتراض گردید که با یک نوع طعام صبر نخواهیم کرد بخواه از **خدا**ی خود که بیرون بیاورد از برای ما نباتی که از زمین بر میاید مانند (خیار و سیر و عدس و پیاز) موسی گفت : چرا تقاضای چیز پست می کنید ، بجای چیزهای نیکو ، فرود آئید بشهر مصر که از برای شما هر چه خواهید مهیا است (و مقدر و حتم شد بر یهود چون چنین رفتار کردند ذلت و خواری و مسکنت و گرفتاری و بر خود گرفتند یهود غضب و خشمی از خداوند) چون باز خود سری کردند و بر آنها خواری و مذلت ضرور و مقدر گردید و بخشم خدا دو باره رفتار شدند ، چون به آیات خدا کافر گشتند و انبیاء را بناحق کشتند و راه نا فرمانی و ستمکاری پیش گرفتند (**ترجمه** آیه ۶۰ سوره بقره)

و یا آرید وقتی که از شما بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و بلند کردیم بالای سر شما کوه طور را (که سخت هراسان شدید) و دستور دادیم که احکام تورات را با قوت ایمان یاد گیرید (**ترجمه** آیه ۶۲ سوره بقره) و یاد آرید وقتی را که موسی بقوم خود گفت : هر آینه خدا امر میکند شما را باینکه بکشید گاوی را قوم او پاسخ دادند او را که ما را استهزا میکنی (بدست آوردن قاتل با کشتن گاو چه تناسب دارد) موسی گفت پناه می برم بخدا که سخن بفسوس و استهزاء گویم چه این کار مردم نادان است (**ترجمه** آیه ۶۷ سوره بقره)

قوم موسی گفتند از خدا بخواه که معین فرماید چگونگی و خصوصیات گاو را موسی گفت : خدا می فرماید : گاوی باشد نه پیر از کار افتاده و نه جوان کار نکرده بلکه میانه این دو حال باشد اکنون که تعیین شد آنچه مأمورید بجای آرید .

(**ترجمه** آیه ۶۸ سوره بقره)

باز قوم بموسی گفتند از خدا بخواه که رنگ آن گاو را نیز معین فرماید . موسی جواب داد خدا می فرماید گاو زرد زرینی باشد که رنگ آن بینندگان را فرح بخش است .

(**ترجمه** آیه ۶۹ سوره بقره)

باز گفتند از خداوند بخواه چگونگی آن گاو را برای ما خوب روشن گرداند که آن هنوز بر ما مشتبه است چون رفع اشباه ما شود البته (طاعت کرده) و بخواست خدا راه اطاعت پیش گیریم .

(**ترجمه** آیه ۷۰ سوره بقره)

موسی گفت خدا می فرماید آن گاو هم آنقدر رام نباشد که زمین شیار کند و آب به کشتزار دهد و هم بی عیب و یکرنگ باشد و نیز در طلب رویت حضرت باریتعالی خرده گیریهایی میکردند مانند :

از موسی در خواستی بالاتر از این کردند که گفتند خدا را بدیده ما آشکار بنما پس از آنها بسبب تقاضایشان صاعقه سوزان در گرفت آنگاه گوساله پرستی اختیار کردند پس از آنهمه آیات خدا و معجزات موسی برای هدایت آنها باز ما از این کار زشت آنان نیز در گذشتیم و به موسی حجت و برهان آشکار بخشیدیم .

(ترجمه آیه ۱۵۲ سوره نساء)

قوم موسی گفتند در آن سرزمین مقدس گروهی مقتدر و قاهر و ستمکار هستند و هرگز تا آنها از آنجا بیرون نروند ما داخل نخواهیم شد و هرگاه آنان بیرون شدند ما داخل شویم .

(ترجمه آیه ۲۲ سوره مائده)

و باز گفتند ای موسی هرگز ما در آنجا مادامیکه آنها باشند ابدًا در نیاییم پس تو برو با تفاق پرورد گارت با آنها قتال کنی ما اینجا خواهیم نشست .

(ترجمه آیه ۲۴ سوره مائده)

اینها همه ایرادهایی بود که بنی اسرائیل بر حضرت موسی (ع) می گرفتند لذا کسانی که بهانه جویی می کنند می گویند ایراد بنی اسرائیلی می گیرد .

۲- مثل سد اسکندر^(۴۹)

چون بخواهند فردی را در محکمی و استقامت بستایند گویند مثل سد اسکندر است و داستان سد اسکندر چنین است :

چون اسکندر بحد مشرق رسید راه گذر میان دو کوه بود و ذو القرنین بایشان نیکوئی کرد مردم آنجا قصه خویش بگفتند که یاجوج و ماجوج بزمین ما فساد می کنند و ما با ایشان بر نمی آئیم (قوله تعالى يا ذو القرنين ان ياجوج و ماجوج مفسدون في الارض) و گفتند ما خراج بدهیم ترا تا میان ما و ایشان سدی بکنی که ایشان نیز پیش ما نیایند ذو القرنین گفت خدایتعالی مملکت مشرق و مغرب بمن داده است و مرا خود ساختن این سد به از همه مملکت دنیا و هدیه شماست .

بفرمود ذو القرنین که آهن بیارید و چنانکه خشت میان دو کوه مینهادند میان دو کوه بگرفت و بآهن میان آن تا سر بر آورند . پس بفرمود تا کورها بساختند و میگذاختند از یکسو روی و از یکسو آهن هر دو سر شد و بیکدیگر در شد و سخت شد و از کوه تا بدان کوه استوار شد و بگرفت و یاجوج و ماجوج از آن سوی بماند و آن مسلمانان از ایشان برستند و ذو القرنین گفت که این نه بقوت من که این برحمت خدای تعالی بود .

خلاصه

هنگامیکه فرس وارد اسلام شدند به بیان وفصاحت قرآن کریم متأثر گردیدند علاوه بر الفاظ قرآنی که در شعر خود قرار دادند ، همچنین فرس از ضرب المثل ها که از قرآن مجید الهام شدند استفاده کردند .

ضرب المثل های فارسی یکی از مهمترین ارزش های انسانی عالی برای ایرانیان میداند و اهمیت آن بزرگ تر میشود هنگامیکه امثال خود از قرآن **کریم الهام شده اند** .

ضرب المثل فارسی که از قرآن کریم الهام شده ؛ عبارت کوتاهی یا بیت شعر سایر (شاید یک مصرع) یا داستان می باشد .

این بحث بدین زینت نوینی از مباحث نوین در رشته ما به شمار می رود .

نتیجه گیری ها

- ۱- ضرب المثل های فارسی که از قرآن مجید الهام شدند ، ارزش های انسانی عالی دارد .
- ۲- ضرب المثل های فارسی که از قرآن مجید الهام شده ، اغلب آن برای ایرانیان مشهور است زیرا که از تعلیمات قرآنی میگیرد .
- ۳- پژوهنده ترجمه های قرآنی را به توسط مترجمان برجسته ایرانی گزینه کرد ، یکی از آن نقد کند که پنج ترجمه گرفت و یکی از آنها انتخاب کرد ، لذا باید ترجمه های قرآنی بطور شایسته گزینه شود .

۳- برخی از ضرب المثل های فارسی از لحاظ شباهت با **ضرب المثل- های عربی** هماهنگ می کند .

پاورقی های

- (۱) این مطلب دو قسمت در بر فراگیرد : ۱- لفظ مثل در لغتنامه دهخدا ص : - و ۲ - ضرب المثل بر طبق مفهوم آقای برقی ص : ۵-۹
- (۲) لغتنامه . دهخدا ، علی اکبر. زیر نظر: دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی ، تهران ، سال ۱۳۵۳ هـ.ش.
- (۳) کاوشی در امثال و حکم فارسی . برقی ، سید یحیی ، انتشارات چاپخانه حکمت ، قم ، ۱۳۵۱ ، ص ۵-۶
- (۴) حکم و امثال دهخدا ج ۴ ص: ۱۹۵۱
- (۵) لغتنامه دهخدا ذیل کلمه رحمت
- (۶) حکم و امثال دهخدا ج ۴ ص: ۱۹۳۰
- (۷) حکم و امثال دهخدا ج ۱ ص: ۵۵
- (۸) حکم و امثال دهخدا ج ۲ ص: ۵۸۸ و ۵۸۹
- * (۱) بیرون ، خارج فرهنگ فارسی معین ذیل کلمه بیرون
- ** تراود : تسرب و نضوح کردن (پژوهشگر)
- (۹) حکم و امثال دهخدا ج ۱ ص: ۱۴۲

(١٠) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٤٩٨

*** (اسم مصدر) [عربی] [قدیمی] ١. مراقب بودن. ٢. انتظار داشتن. ٣. انتظار؛

چشمداشت. فرهنگ لغت عمید ذیل کلمه ترقب

(١١) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٧٨٧

(١٢) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١١٠

(١٣) حکم وامثال دهخدا ج ٤ ص: ١٩٠٤

(١٤) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٢٩١

(١٥) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١٤٨

(١٦) آذرلی ، غلامرضا ضرب المثل های مشهور ایران . انتشارات ارغوان ، ججابه دوم

١٣٦٩، ص: ٣٠٠

**** (ص. فا.) کسی که به سوی کسی کلوخ می اندازد. فرهنگ فارسی معین ذیل کلمه

کلوخ انداز

(١٧) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١٥٨

(١٨) حکم وامثال دهخدا ج ٤ ص: ١٧٨٠

(٢٠) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٨٥٠

(١٩) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٨٧٤

(٢١) حکم وامثال دهخدا ج ٤ ص: ٢٠٤٢

(٢٢) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٢١٢

(٢٣) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٥٠٧

(٢٤) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٨٣١

(٢٥) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ١٠١٨

(٢٦) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١٦

(٢٧) حکم وامثال دهخدا ج ٣ ص: ١٢٧٤

(٢٨) حکم وامثال دهخدا ج ٤ ص: ١٨٣٥

(٢٩) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٨٥٩

(٣٠) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٣٤٧

(٣١) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١٥٠

(٣٢) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١٠٤

(٣٣) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ١٤٨

(٣٤) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٣٠٧

(٣٥) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٣٠٦

(٣٦) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٨٥٢

(٣٧) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٦٠٧

(٣٨) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٨١٩

(٣٩) حکم وامثال دهخدا ج ٤ ص: ٢٠٤٦

(٤٠) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: حکم وامثال دهخدا ج ٤ ص: ٢٠٣٨

(٤١) مثلها وحکمتها / عفیفی ص: ٨٠٤

(٤٢) حکم وامثال دهخدا ج ٣ ص: ١٥٠٣

(٤٣) حکم وامثال دهخدا ج ١ ص: ٣٤٨

(٤٤) حکم وامثال دهخدا ج ٢ ص: ٦٠٩

(۴۵) حکم وامثال دهخدا ج ۱ ص: ۳۶۹

(۴۶) حکم وامثال دهخدا ج ۱ ص: ۲۰

(۴۷) مثلها وحکمتها ص: ۶۱۷

(۴۸) نگ کاوشی در امثال وحکم فارسی ، ص: ۱۰۸ ، داستانهای امثال . ذو الفقاری ، حسن،

انتشارات مازیار ، تهران ، چاپ پنجم ، ۱۳۹۰ ش ، ص: ۱۸۰

(۴۹) کاوشی در امثال وحکم فارسی ، ص: ۴۷۰

منابع و مآخذ

القرآن الکریم

۱- آذلی ، غلامرضا . ضرب المثل های مشهور ایران . انتشارات ارغوان ، چاپ دوم ۱۳۶۹ ش .

۲- آیتی ، عبدالمحمد . ترجمه قرآن کریم . ته تهران ، انتشارات سروش ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۴ ش .

۳- انصاریان ، حسین . ترجمه قرآن . قم ، انتشارات اسوه ، چاپ اول ، ۱۳۸۳ ش . ۴- برقی ، سید یحیی . کاوشی در امثال وحکم فارسی . انتشارات چاپخانه حکمت ، قم ، ۱۳۵۱ ش .

۵- بهرام پور ، ابوالفضل . ترجمه قرآن کریم . انتشارات عفت ، چاپ اول ، ۱۳۸۳ ش .

۶- تهرانی ، محمد صابق . ترجمه قرآن . انتشارات کلیدر ، چاپ اول سال ۱۳۸۲

۷- حسن ، عمید . فرهنگ فارسی عمید . ویراستار : عزیز الله علیزاده ، تهران ، انتشارات امیرکبیر ، چاپ هشتم ۱۳۷۱ ش .

۸- خرمشاهی ، بهاء الدین . ترجمه قرآن کریم . ناشر ————— دوستان ، چاپ ششم ۱۳۹۰ ش .

۹- دهخدا ، علی اکبر . امثال وحکم . ناشر چاپخانه سپهر ، تهران ، سال ۱۳۶۳ ش .

۱۰- دهخدا ، علی اکبر . لغت نامه . زیر نظر: دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی ، تهران ، سال ۱۳۵۳ ش .

۱۱- دهلوی ، شاه ولی . فتح الرحمن فی ترجمه القرآن . تهران سال چاپ ، ۱۳۶۷ ش . ۹- ذو الفقاری ، حسن . داستانهای امثال . انتشارات مازیار ، تهران ، جاب پنجم ، ۱۳۹۰ ش

۱۲- شیرازی ، ناصر مکارم . ترجمه قرآن . سال چاپ ۱۳۷۳ ش .

۱۳- عیفی ، رحیم . مثلها وحکمتها در آثار شاعران . انتشارات سروش ، تهران ، چاپ ۲ سال ۱۳۷۹ ش .

۱۴- فولادوند ، محمد مهدی . ترجمه قرآن کریم ، چاپ اول ، ۱۳۷۳ ش ، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی .

۱۵- قمشه ای ، مهدی الهی . ترجمه قرآن کریم . ویرایش حسین استاد ولی ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۷۷ ش .

۱۶- مجتبوی ، سید جلال الدین . ترجمه قرآن کریم . انتشارات حکمت ، چاپ اول ، تهران ۱۳۷۱ ش .

۱۷- معزی ، محمد کاظم . ترجمه قرآن کریم . قم ، انتشارات اسوه ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ ش .

۱۸- معین ، محمد . فرهنگ معین . تهران ، مؤسسه انتشارات امیر کبیر .

Abstract Search marked

the reflection of Quran's proverbs in the values of Persian's civilization

Hit Persian's proverbs is considered an one of senior human values that represent the culture and civilization of the Iranians.

Not only the Persians taking them from the Quran on the hair and prose texts even inspired him to have some like them emerging, from here, the Persian proverbs inspired by the Quran has many of the senior human values.

Follow researcher in his research presentation analytical approach descriptive terms divisible by three sections and as shown below:

First research - the word (such as) from the perspective of linguistic terms included:

1. The term goes in the encyclopedia linguistic author Dhkhadda
2. hit proverbs of the concept according to Briqaa

The second topic - Supreme human values in the Persian proverbs inspired by the Koran, containing:

1. human value position to take advantage of hitting the Persian proverb.
2. mentioned Persian proverb
3. stated ideals inspired verse or Quranic text.
4. mentioned Persian translation of the verse mentioned with her translator.

Section III hit the Persian proverb emerging from the Quranic stories and contains two stories:

1. objections to the bne Israel
2. such as dam Alas

Researcher in revenue adopted his research on a variety of sources, including:

1. Proverbs and the wisdom of Dhkhadda
2. Dhkhaddh encyclopedia's of language.
3. Qur'an al magid had been translated by many known interpreter.
4. proverbs and wisdom in works of poets.
5. stories of proverbs
6. . dictionary's amed.

Key words : Persian's proverb , Quran , human's value